

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

دلنشین

دست ما و دامنت ای همنشین. نازنین
دلربای دلنشین
نیست در المان به مثلت ، عالمی ، حتا به چین
در دعا کردن بریزد اشک ، از چشمان تو
جان ما قربان تو
حاجت باران نباشد ، هیچ بر این سرزمین
دلربای دلنشین
کاسبی. بهتری داری ز هر پیر و جوان
در زمین و آسمان
نیست بهتر مسلکی از مسلکت ، بی بغض و کین
دلربای دلنشین
عاشقانت مرد و زن ، از نوجوان و هم ز پیر
خوشگلانت ، دستگیر
نقل. مجلس در میان کافران و مسلمین
دلربای دلنشین
نور. چشمی در میان جمله افغانیان
شرق و غرب این جهان
لیک از پسمانی. فکرت گریزان مؤمنین
دلربای دلنشین
در چنین عصری که عالم است ، در دست بشر
خیلی صاف و ساده تر
روز و شب در پیچ و تاب. کوچه اشک الیقین
دلربای دلنشین

| | |
|---------------------|---|
| بهترین انبیاء | آرزوی تست تا بوسی دو دست مصطفی (ص) |
| دلربای دلنشین | آل و مال خود فدا سازی به وجه بهترین |
| بی شک و ریب و ریا | آرزوی دیدنی ، با چشم خود ، روی خدا |
| دلربای دلنشین | گر میسر شد ، بود این آرزوی آخرین |
| چون تویی اهل کتاب | پرسشتم را از حضرت ، لاجوابی شد جواب |
| دلربای دلنشین | ای به قربان کتاب بیحسابت ، علم و دین |
| استخوانم ، موم تو | سالها شد ، انتظار پرشش منظوم تو |
| دلربای دلنشین | موی من خاکستری و صورتم شد پرز چین |
| گه ز دوغ و گه ز شیر | گه بهانه از جوانان و گهی داری ز پیر |
| دلربای دلنشین | ترس من از سرکه و سیر و پیاز ، نه انگبین |
| در تمام خیر و شر | در عروسی و نکاح و ختنه سوری ها و غیر |
| دلربای دلنشین | هر کجا بینم که جایست در قطار اولین |
| با سزا و ناسزا | در جنازه ، فاتحه ، تکفین و تدفین و دعا |
| دلربای دلنشین | با دعا و اشک خود مرهمگذار آن و این |
| هر طرف تابنده ای | شمع سان ، در محفل تاریک مارخشنده ای |
| دلربای دلنشین | بال و پر سوزی ز هر پروانه با نور جبین |
| نزد هر خرد و کلان | روز و شب «نعمت» ز دستت شکوه و آه و فغان |
| دلربای دلنشین | تا بگیرد پاسخی از عالم بالا نشین |